



• پنج‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۸ • شماره ۱۳۷

حدیث روز

امام علی(ع): خداوند روز ه را واجب کرد تا اخلاص خلق را بیازماید. نهج البلاغه

ذکر روز پنج شنبه

صد مرتبه «لا اله الا... الملک

الحق المبین»

ذکر روز جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی

محمد و آل محمد»

آیات نور

سوره آل عمران

اَز مايش با مال و فرزند

زینت دهنده خداوند است، زیرا اوست که عشق به فرزندان و مال و ثروت را در نهاد آدمی ایجاد کرده تا او را از مایش کندو در مسیر تکامل و تربیت به پیش ببرد. در ست است که بدون این وسایل نمی توان زندگی کرد، و حتی پیمودن راه معنویت و سعادت نیز بدون وسایل مادی غیر ممکن است، اما استفاده کردن از آن ها در این مسیر مطلبی است و دل بستگی فوق العاده و پرستش آن ها و هدف نهایی بودن، مطلب دیگر.

منتخب تفسیر نمونه

در محضر بزرگان

رمضان، ماه محاسبه است

آیت... جوادی آملی می فرماید: بر حوم سید بن طاووس می گوید: اهل سیر و سلوک، اول سال شان، ماه رمضان است. حساب ها را از ماه مبارک، تا ماه مبارک بعد بررسی می کنند؛ که ماه مبارک رمضان گذشته چه درجه ای داشته و امسال در چه درجه ای هستند... چقدر در برابر گناه قدرت تمکن داشته و چقدر در برابر دشمن قدرت تصمیم دارد. ماه مبارک رمضان برای سالکان الی... ماه محاسبه است.

«حکمت عبادات»

شعر طنز

توصیه به دخترم!

سخر بهجو

دخترم لطفاً پی هر راه آسانی نباش مدعی رشته هایی که نمی دانی نباش نسخه اصل خودت باش و کپی را وابده فکر نقاشی کنار کار گردانی نباش!

قرار مدار

روز روغن کاری لولها
امروز درها و پنجره های
فوته یا ممل کارتون رو
کمی روغن کاری کنین
این جوری هم بی صدا
میشن و هم رامت تر باز
و بسته میشن

دلگیر

محمد کریم زاده نیستانک

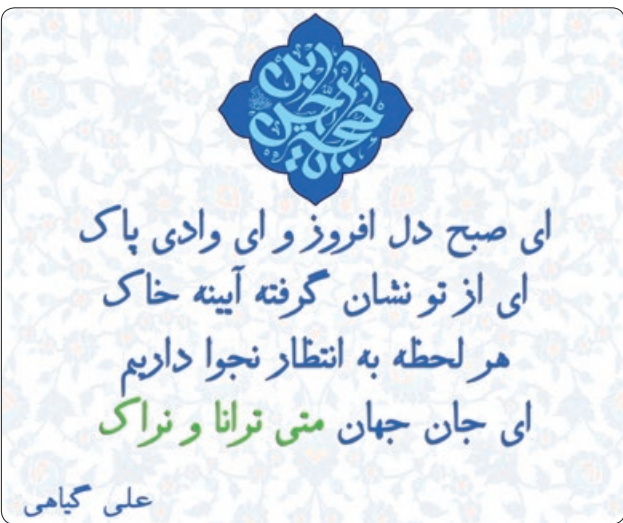
همین که «دلگیری» از من مریس است تا بیشتر در دلم باز می کند «بسته» عشق را...!

دنیا به روایت تصویر



گاردین | مسابقه بادبادک بازی، انگلستان

فوتوشعر انتظار



باخانمان

هشت رقم ابجد

زهرافرنیا | طنزپرداز

با این که من اصلاً تاکید خاصی روی هیچ مقوله ای ندارم، علی الخصوص مقوله از دواج، چند وقت پیش به خانمی جای مادر ما که نه، مادر شوهر ما پیام دادن دفتر روز نامه. حرف شون چی بود؟ شماره خانم فرنیای ستون باخانمان رو بدید برای امر خیر خدمت برسیم.

اول این که من به فهرست دارم از کسایی که ممکنه باهام شوخی کنن و همچنین پیامی بفرستن. هر چند که شوخی با مزه ای نبود، بدونید برای کسری از ثانیه هم فکر نکردم جدیه. حتی یه لحظه هم خودم رو توی پاختختی تصور نکردم. فکر نکنید سریع رفتم سایزم و لباس عروسی پفی رو توی گوگل سرچ کنما! نه. اینم که خونه رو گردگیری کردم وتی کشیدم و جارو، از سر عادت خونه داریمه، هر چند از عید چیزی نگذشته. دوم این که فرض می کنیم جدی بود، فرض محال. خدا یا شکر که یکی من رو به خاطر خودم خواست، به خاطر قلمم، طرز فکرم، نه به خاطر چهره ام. شما من رو ندیدید و نمی تونین درک کنین که چهره من رو داشتن چقدر سخته. من رو ندیدید که این قدر کم از این پیامایاد دفتر روز نامه، البته هدف مون هم همینه. به خاطر همین کاریکاتور خورده بالای ستون و نه چهره خودم. چون باید اینم در نظر گرفت که سامانه پیامکی ظرفیت کمی داره. شما که دوست ندارین یه کار مند استخدا م کنیم برای پاسخ دادن به پیام های مربوط به من توی این شرایط سخت اقتصادی!

سوم هم، درسته شوهر کم شده ولی نه دیگه این قدر! اصلاً مادر جان، خود شاه ا ماداراضیه به این وصلت یا شما دارین از جانب ایشون حرف می زنین؟ خود دوما د اهل روز نامه خوندنه؟ در نهایت ما از اون خانواده هایی نیستیم که به وصلت های این جوری رضایت بدیم، پس شمارم رو هم نمی تونم بدم. ببخشید. می دونم نیت تون خیر بود. نسدز! فحذر! قحتمز د ا قنڈز! نیمدسککشحققد رر ل تمم. (جالبه حروف ابجد رو جمع ببندین به یه عدد هشت رقمی می رسین که اتفاقاً شماره تلفن ها هم هشت رقمه. این به فکت علمی بود صرفاً.)

پرنده های مجهول

ادعای کشف جسدی مرموز که عمر بشر را به چالش کشید

با تابوت تماس مستقیم داشتند، قرنطینه شدند. زمانی که با لگرد حامل جسد قصد پرواز داشت به دلیل سنگینی تابوت موفق به پرواز نشد، بنابراین مجبور شدند تابوت را از مایع عجیب خالی کنند. به محض خالی شدن تابوت، جسد تغییر رنگ دادو سیاه شد، درست مانند فیلم های ترسناک! به همین دلیل مجبور شدند دوباره تابوت را از مایع پر کنند که رنگ جسد دوباره به حالت طبیعی درآمد.

چند روز بعد دولت روسیه بررسی این پرونده را به گروهی از دانشمندان «نوروسپیرسک» محول کرد. به گفته دانشمندان، نتایج اولیه در صورت اثبات تمام دانش بشری را زیر سوال می برد. تابوت و جسد دمتی ۸۰۰ میلیون ساله داشتند، یعنی



فرانس پرس | سرخپوستی که با ظاهر سنتی به قوانین دولتی اعتراض دارد، برزیل

تا بخند

● مشکلکم باگرمانیست، مشکلکم باخودمه که توگرماهم بایدپتوبکشمروم تاخوابم ببره! ● بدی همکار بودن با همسر اینکه که نمیشه سر کار باهانش بحث کرد چون عواقیب توخونه دامت رو می گیره! ● ولی این تیپ و قیافه ای که الان باهاش یز می دین همونه که چند سال بعد عکس هاش رو نگاه می کنید می گید «وااای چه بی کلاسی بودم ها» دیگه خوددانید! ● توشهر کوچیک ما اصلاً نمیشه بگی به فلانی سلام برسون، چون خودش ۵ ثانیه بعد از جلوت رد میشه! ● تنها جایی که زور داریم حق مون رو بگیریم تورانند گیه! ● وقتی شب ها چشم بند می زنم، احساس می کنم قیافه ام شبیه این اسب هایی شده که تو میدون نقش جهان اصفهان گردشگر جابه جایی کنن! ● یکی از پر کار برترین جمله های ما اینکه «مسئله پولش نیست» ولی اتفاقاً همیشه هم مسئله پولش هست! ● یه سوال : اگر قراره لباس ها رو بذاریم روی صندلی چرا جالباسی ها رو شکل صندلی نمی سازن؟!

دور دنیا

دختری که حافظه اش هر روز پاک می شود



آدیتی سنترال – دختر نوجوان آمریکایی بعد از این که در یک تمرین ورزشی ضربه ای به سرش وارد شد، دچار نوعی فراموشی عجیب و نادر شده است. او هر روز صبح خاطراتش پاک می شود و الان بیش از یک سال و نیم است که هر روز فکر می کند،

تا ریح ۱۷ اکتبر ۲۰۱۷ است! این نوع فراموشی در دنیا بسیار نادر است و هنوز راه درمانی برایش پیدا نشده است.

شهری که غیبت کردن را جرم اعلام کرد



دیلی میل – در شهر کوچکی در فیلیپین به نام Authorities، غیبت کردن جرم محسوب می شود و هر شخصی که در مکان عمومی غیبت کند، برای بار اول به پرداخت جریمه ۴ دلاری و برای بارهای بعد به پرداخت جریمه ۱۰ دلاری و ۸

ساعت بازداشت محکوم می شود. مسئولان این شهر اعلام کرده اند برای جلوگیری از دامن زدن به شایعات این قانون عجیب را وضع کرده اند.

بدون مدرک دانشگاهی دیگر نگران نباشید!



یاهو – برخی از اقتصاددانان دنیا پیش بینی کرده اند شغل های بدون نیاز به مدرک دانشگاهی در حال رشد است. سایت کارابی « گلس دور» فهرستی از چند شرکت تهیه کرده است که متقاضی کارمند بدون تحصیلات دانشگاهی هستند. در این فهرست نام شرکت هایی همچون گوگل، اپل و آی. بی. ام نیز به چشم می خورد. به گفته مدیر استعدادیابی شرکت آی. بی. ام، حدود ۱۵ درصد کارکنان این شرکت حتی مدرک کارشناسی ندارند و این شرکت بیشتر به دنبال جذب افرادی است که تجربه عملی و مهارتی بیشتری نسبت به تئوری آن کار دارند.



آسوشیتد پرس | جشنواره مد، اندونزی

تفال

ای هدهد صبا به سبا می فرستمت

بنگر که از کجا به کجا می فرستمت

حیف است طایری چو تو در خاکدان غم

زین جابه آشیان وفا می فرستمت

کله چغوکی

آق کمال به کلوخ اندازون می رود



آق کمال | همه کاره و هیچ کاره

جمعه پیش طبق رسم آخرین جمعه قبل از ماه رمضان، کلوخ اندازون ناهار خواستِم بر م بیرون شهر تا سر حال و قبرا ق بر م استقبال ماه مبارک. جاتان خالی صبح مادر و پدر عیال ره ور داشتِم و رفتم دنبال آقام اینا تا تصمیم بگیرم برم کجا. مادر مُو ل نمکرد که بین همینجی تو حیاط فرش مندازم، لازم نیست ای همه راه برم بیرون شهر. ولی مادر عیال مگفت اوجوری باعث زحمت شمم، همه مرم بیرون، کارا هم با آقایون بشه که ای یک ماهه قراره ما خانوما گوشه آشپزخانه باشم. به پیشنهاد آبجیم رفتم سمت طریقه که به ای هوا اویم بره دره ارغوان عکس بیگیره.

بعد از یک ساعت که رسیدم، مگه جا بری راه رفتن پیدا مرفت، چه بر سه به نشستن. یعنی اون قدر بالا و پایین رفتم که سر یگ تپه زیر آفتاب دو متر جاگیر آوردم فرش بندازم. آقام و آقای دکتر که رفتن یگ چاله آب گیر آوردن پاهاشانه گذاشتن توش و شروع کردن به تخمه خوردن و حرف زدن. موو عیال هم رفتم یگ دوری برزیم، بنده خدا مادر مُو و مادر کاملیا خانم هم مشغول کارای ناهار شدن. عیال داشت به بر اُرم و آبجیم یاد مداد که هروقت مرن همچی جاهایی هر چی ات و اشغال دم دست تان مبین جمع کنن، که یگ صدای دنگی آمدو بعدم دادو بیدادو دعوا. رفتم دیدم بارو مخواستِه ماشینشه پارک کنه که زده به یگ ماشین دگه و دعوا رفته بود. یعنی کار به جایی رسید که اویکی قفل فرمون در آورد ای یکی هم یگ بوته ارغوان از ریشه کشید بیرون و آن چنان به جون هم افتادن که تو گیم آو ترونز، اوجور هم ره لت و پار نمکردن!

بعد از یگ ساعت که دعواتِموم رفت، رفتم ناهار بخورم که دیدم انا حالا خوب رفت! یادم رفته بوده که گواپیک نیکیه پر کُتم و تلفن هم آنتن نمداده و مادر انتنسته بودن ماره پیدا کنن و همو جور بیکار ننسسته بودن! عیال ره کارد مزدی خونش در نمی آمد، مجبورم کرد بُم طریقه بری همه ناهار بخُرم بیام. به چی بدبختی تو او ترافیک رفتم و به چی قیمتی ناهار خریدم و بر گشتم و باز جای پارک گیر نیاوردم و... خلاصه به هر مصیبتی بود ناهار ه خوردم و گفتن و خزن برم که زیر آفتاب تف خوردم. مصیبت ماجرا اینجی بود که عصر راه افتادم، بی اغراق ساعت یک نصف شب رسیدم خانه! یعنی نمُتن تصور کنن چی ترافیکی بود! هنوز بعد از یک هفته باهام مور مور ره تو خیابون ماشین می بینم چشمام سیاه تاریکی مره! اِیم از کلوخ اندازون ما.

مسابقه این کیه؟

مسابقه قصه ای!

سلام. این هفته بایک چهره ادبی باهاتون هستیم. هنرمندی که تقریباً همگی با آثارشون خاطره داریم و به تازگی هم خبردار شدیم خودشون رو بازنشسته کردن. دست به کار بشین و تشخیص بدین این کاریکاتور به هم ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون و کلمه «این کیه» تا شنبه شب برای ما به شماره ۲۰۰۹۹۹ پیامک کنید. به امید خدا جواب رو هفته بعد همین جاخواهیددید و کاریکاتور برنده رو هم به عنوان جایزه پنج شنبه هفته بعد چاپ می کنیم. عکس و کاریکاتوری رو هم که می بینید آقای مسعودرنجبر برنده مسابقه پیش هستن که دوباره بهشون تبریک می گیم.



ماوشما

راهار تباطی با ما: پیامک ۲۰۰۹۹۹ و تلگرام ۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

● * با سپاس از دوستانی که در زندگی سلام برای ما مطالب متنوع، جذاب و آموزنده تهیه می کنند، امیدوارم نماز و روزه هایشان قبول در گاه حق باشد. ● **فرهنگی باز نشستِه** ● پدر عزیزم، از زحمات بی دریغت در مهمانسرای صحن غدیر از شما سپاس گزارم. ● **پسر ت مسعود شهرستانی** ● آق کمال، سحری خوب بخور، مواظب باش ضعف روز ه نبردت برار!